

اصول عقاید و هدف‌های جبهه ملی ایران

اصل اول - حفظ تمامیت ارضی، استقرار حاکمیت ملی و استقلال سیاسی برخاسته از اراده عمومی ملت ایران در نظام جمهوری مبتنی بر اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون .

اصل دوم - تاکید بر تامین و حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی مردم ایران به ویژه آزادی احزاب، انتخابات و مطبوعات و تساوی حقوق زن و مرد و مبارزه با هرگونه تجاوز به حقوق بشر .

اصل سوم - جبهه ملی ایران برای حفظ احترام دین مبین اسلام و همچنین فراهم شدن امکان بهره‌گیری از تمامی توان ملی و مردمی جامعه ایران بر اصل جدایی دین از حکومت تاکید می‌کند .

اصل چهارم - استقرار عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح رفاه عمومی بر اساس جهان بینی علمی، رشد تولید و افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد ملی .

اصل پنجم - احترام به حقوق شهروندی برابر و اعتقادات دینی و آداب و رسوم و زبانها و گویش‌های تمامی تیره‌ها و مردم سرزمین ایران .

اصل ششم - تقویت و پاسداری و گسترش زبان ملی و مشترک فارسی و فرهنگ و هنرهای ملی ایران .

اصل هفتم - اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایرانی بر اساس حفظ مصالح و منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور و پشتیبانی از اصول و هدف‌های منشور ملل متحد و دوستی و احترام متقابل با همه ملت‌ها و کشورها به ویژه کشورهای منطقه و مبارزه با هرگونه تروریسم فردی و گروهی و دولتی .

گرداب فنا

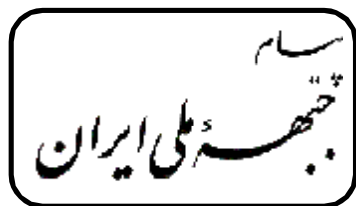
هر دم آشفته ز آسیب و بلائی دگرست
زورق هستی او در گف موج خطرست
ادیب برومند

روزگاریست که ایران ز بلانوحه گریست
ملت اندر دل گرداب فنا غوطه ورست

توهم افرادی معدود از ملی‌گرایان

نظام ایدئولوژیک اسلامی قرار داده و به این نفوذها تظاهر کنند جای تعجب بسیار دارد . این افراد هنوز در قرون گذشته سیر میکنند و بر این تصورند که حضور جمهوری اسلامی در لبنان و سوریه و عراق، نوعی عزت و اقتدار و فتوحات برای ایران است و آنچنان از منافع ملی در سوریه دم میزنند که گویی آن کشور به تصرف ایران درآمده و به ایران ضمیمه شده و این ماییم که در آن جا سروری و سالاری و نفوذ داریم . غافل از اینکه، تنها این قدرت‌های بزرگ جهانی هستند که در منازعات پنهانی خود، از پول و امکانات مالی ملت ایران و نیروی انسانی ماسوا استفاده می‌کنند . آن قدرت‌ها برای پیشبرد مقاصد خود، کشورها از جمله کشور ما را ویران و نیروی انسانی و امکانات مالی آنها و ما را نابود میکنند و هر وقت لازم شد و با حریف به تفاهم و معامله رسیدند، عذر ما را خواهند خواست . این قبیل ملی‌گرایان متوهم باید بدانند که امروز نفوذ و اقتدار در کشورهای منطقه و جهان مولفه‌های مختلفی دارد و نفوذ و اقتدار، تنها با نظامی‌گری و لشگرکشی و هزینه کردن‌های میلیارد دلاری به دست نمی‌آید . در جهان امروز میزان باز بودن فضای سیاسی جوامع بشری و داشتن دموکراسی و حاکمیت ملی و پیشرفت در زمینه‌های علمی و صنعتی و میزان تولید ملی و توان مالی و رفاه و آسایش مردم، نشانه‌های اقتدار و جلال و شکوه و جذابیت جوامع است . و در کنار همه اینها قدرت دفاعی نیز می‌تواند فقط یکی از مولفه‌های اقتدار به حساب آید . در این عصر ملت ایران، با توجه به داشتن منابع عظیم انرژی و سایر امکانات و استعداد‌های طبیعی و سوابق تاریخی و فرهنگی درخشان و کم نظیر می‌توانست پس از انقلاب، با محقق نمودن آزادی و حاکمیت ملی و با پیشرفت و توسعه علمی و نشان دادن توان اقتصادی نیرومند و سعادت و رفاه عمومی در کشور، ایران را در دل کشورهای منطقه به صورت الگو و نمونه ای زیبا و موفق به نمایش بگذارد . آن نفوذ می‌توانست نفوذی قدرتمند، ماندگار، ارزشمند و قابل افتخار برای ایران و ایرانی به حساب آید . آن نفوذ می‌توانست عزت و حیثیت برای سرزمین ما به ارمغان آورد و البته سرزمینی دارای شان و احترام در بین کشورهای منطقه و جذاب برای سرمایه‌گذاران بین‌المللی و دیدنی برای سیاحتگران و همه مردم دنیا بنماید اما هزاران دریغ و افسوس که چنین نشد . در هر حال باید به افراد معدودی از ملی‌گرایان متوهم متذکر شد که دخالت‌های جمهوری اسلامی در سوریه و جاهای دیگر را همسوا با منافع و اقتدار ملی ایران تصور نکنند . و بدانند که منافع ملی ایران در سایه دموکراسی و حاکمیت ملی و شکوفائی اقتصادی و توسعه و پیشرفت علمی و صنعتی و رفاه و سعادت مردم تامين و تضمین می‌گردد نه با مداخلات بی حاصل و بدون عاقبت روشن .

آنچه امروز، چهل سال پس از پیروزی انقلاب، برای همگان عیان و آشکار شده و نیازی به استدلال و توضیح ندارد آنست که حکومت جمهوری اسلامی یک نظام ایدئولوژیک اسلامی شیعی است که به نوعی پان اسلامیس از نوع شیعی و به طور دقیق‌تر به ایجاد یک اتحاد شیعیان جهان و تدارک دیدن یک امپراتوری شیعی صرف نظر از وابستگی‌های ملی و جغرافیایی، فکر می‌کند و عقیده مند است . و در راستای همین اندیشه تلاش می‌کند و برنامه ریزی و اقدام مینماید . مسئله تشکیل هلالی شیعی که از ایران به عراق رفته و از آنجا سوریه و لبنان را در بر بگیرد، زمزمه ای است که از بعد از انقلاب ۵۷ در ایران همواره به گوش رسیده است . این نوع تفکر بارها توسط قدرتمداران انقلاب بیان شده و هیچ نکته مخفی و پنهان در آن وجود ندارد . با توجه به این نگرش است که حمایت بی چون و چرای جمهوری اسلامی از حزب الله لبنان قابل توجیه می‌شود . پشتیبانی از حکومت بشار اسد در سوریه و دخالت در عراق، و حمایت از شیعیان آن کشور، چه قبل از جنگ با ایران و در زمان حکومت صدام حسین، و چه بعد از جنگ، در همین چهارچوب قابل ارزیابی است . در این سال‌های اخیر تقویت حوثی‌های یمن هم مشمول همین دیدگاه و طرز تفکر است . این یک عقیده و آرمان است که از سوی نظام حاکم بر ایران دنبال شده و میشود . البته پای فشاری بر این اهداف تا آنجاست که یکی از عناصر کلیدی نظام، روزی گفت که اهمیت "حلب" برای ما از اهمیت استان خوزستان بیشتر است . بر اساس این تفکر است که جمهوری اسلامی با ریخت و پاش‌های مالی کلان و اعزام مشاوران و نیروهای نظامی فعال در پایتخت‌های لبنان و سوریه و عراق و یمن نفوذ نموده و حضور پیدا کرده است . اما آیا این حضور و هزینه‌های مالی ناشی از آن با منافع ملی ایران سازگار است و هم خوانی دارد ؟ پاسخ به این سؤال به دو دلیل منفی است . نخست آنکه هزینه‌های مالی این مداخلات، به اضافه ی حواشی سیاسی ناشی از آن‌ها، از ظرفیت و تحمل و بنیه کشور خارج است و ملت ایران را به حالت تنگنا و درماندگی قرار داده است . چنانکه در اعتراضات مردمی در هر فرصتی انتقاد از صرف کردن منابع مالی کشور در خارج از مرزها و در راستای این اهداف ایدئولوژیک شنیده شده و می‌شود . دوم آنکه، عاقبت و سرانجام این مداخلات روشن نیست و ممکن است روزی برای امنیت ملی ایران و موجودیت کشور و تمامیت ارضی ما مهلک و زبان‌بار باشد . به هر صورت از دید میلیون‌رُف بین و وطن‌خواه این سیاست‌ها و عمل کردهای حاکمیت مورد قبول نبوده و مورد اعتراض و انتقاد است . اما اینکه برخی افراد که خود را ملی‌گرا می‌پندارند، از دید ملی‌گرایانه ی سطحی نگر، نفوذ در چهار پایتخت را نفوذ ملی ایران تصور کنند و خود را هم سوا



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

<http://jebhemeliiran.org>

E-mail:info@jebhemeliiran.org